

علیرضا کوهکن، عضو عیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بحران کرونا ایده اروپای واحد را از بین برد

کرونا میزان دخالت دولت‌ها در زندگی اجتماعی را تقویت می‌کند

تأحدی از سوی سیاستمداران ترمیم خواهد شد اما این موضوع به تدریج در حوزه اجتماع، تبعات خود را نشان می‌دهد و این تصور که ما یک اتحادیه هستیم و باید با هم کار کنیم و این به نفع همه ما است را زیرسوال برده و در میان مدت ایده اروپای واحد را از بین می‌برد. درمقابل اما دولت‌هایی که از این بحران جان سالم به‌در ببرند یا رشد فزاینده انتظارات عمومی برای صیانت دولت‌ها از منافع ملی و کنش‌های مستقل در کنار افزایش توقعات برای حمایت‌های اجتماعی از سوی دولت‌ها مواجه خواهند بود.



درواقع اعتمادی که تا پیش از این وجود داشت از هم پاشیده شد. به اعتمادی که به واسطه سال‌ها کار رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی اجتماعی اتفاق افتاد، فروپاشید.

چرا این اتفاق در ایران رخ نداد؟ در یک سال گذشته چندین اتفاق داشتیم که صدمات سنگینی به اعتماد عمومی وارد کرد. اگر اعتماد عمومی در اروپا فروپاشید در ایران هم اعتماد پایین آمده بود، ولی آنچه فرمودید اتفاق نیفتاد. چه دلیلی برای این مساله داشت؟

این مساله به سبک زندگی و مسائل فرهنگی ما برمی‌گردد. یعنی نوع نگاه ما به زندگی در ایران با این کشورها متفاوت است. آن فردگرایی که سال‌هاست تبلیغ می‌شود و در زندگی غربی به‌عنوان یک مزیت به شمار می‌آید، اینجا دیگر موضوعیت ندارد و در چنین بحرانی قضیه قدری متفاوت است. کارکرد نهاد خانواده هم در ایران نقشی حائز اهمیت دارد. ضمن اینکه آمادگی برای البته بالاخره اینکه چرا در فروشگاه‌ها که آنجا نگران کننده بود، اینجا موضوعیت چندانی نداشت در جای خود قابل بررسی است ولی غیر از این، فرهنگ و نحوه زیست اجتماعی هم موثر است. به یاد داشته باشید ما آمادگی بیشتری برای مواجهه با بحران‌ها به لحاظ ذهنی داریم و جایی که بحران کم اتفاق افتاده است این آمادگی طبیعتاً به لحاظ ذهنی وجود ندارد. شاید ما یکی از آرام‌ترین جوامع دنیا را در مواجهه با کرونا داریم. البته تحقیقی در این باره انجام نشده است و براساس اطلاعاتی که منتشر شده می‌توان به این جمع‌بندی رسید و درباره آن کار قابل پژوهشی قابل توجهی انجام شود.

به نظر من یکی از اتفاقاتی که در زمان بحران رخ داد این بود که تبلیغات بسیار گسترده‌ای که سال‌ها درباره تخریب فرهنگ ایرانی انجام می‌شد و تلاش داشت مردم کشور ما را در سطح فرهنگی پایین‌تری در مقایسه با کشورهای دیگر به تصویر بکشد کاملاً رنگ باخت و روشن شد کاملاً برعکس این موضوع صحت دارد. از این جهت اتفاق خیلی جالبی بود که ارزش پژوهش دارد.

فکر می‌کنید این چالشی که در دنیا فراگیر شد چه نوع تغییراتی را در نوع حکمرانی دولت‌ها پدید خواهد آورد؟

به نظر من اگر بحران تمام شود و دولت‌ها بتوانند از این بحران جان سالم به‌در ببرند انتظار حمایت‌های اجتماعی از سوی دولت‌ها بسیار بالا خواهد رفت. همچنین تبعات این بحران انتظار کنش‌های مستقل توسط دولت‌ها را بالا می‌برد. معنی همه اینها تقویت دولت رفاه و دولت ملی است. این تأثیر قابل توجهی در روابط بین‌المللی دارد.

اینها اثراتی است که اگرچه در حوزه سیاست معنا پیدا می‌کند اما سیاستمداران می‌توانند با هم به توافق برسند. ولی در حوزه اجتماع به تدریج تبعات خود را نشان می‌دهند و این تصور که ما یک اتحادیه و افرادی هستیم که باید با هم کار کنیم و این به نفع همه ماست را زیرسوال می‌زند. ممکن است در کوتاه‌مدت اثر مستقیم نداشته باشد ولی در میان مدت ایده اروپای واحد را از بین ببرد.

درواقع به واسطه نگرش منفی افکار عمومی در اروپا علیه اتحادیه این اتفاق خواهد افتاد.

بله. تعداد مخالفان زیاد می‌شود. به‌عنوان مثال در فرانسه این اتفاق افتاد. در فرانسه هم این اتفاق افتاد. در فرانسه هم این اتفاق افتاد.

همان‌طور که ذکر شد این ماجرا ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی دارد. یک اتفاق مهمی که افتاد بعد از حوزه بهداشتی و اقتصادی در حوزه اجتماعی بود. بحران کرونا میزان اعتماد به زندگی اجتماعی در کشورهای اروپایی را تا حد زیادی از بین برد. شما تا پیش از این با جامعه‌ای مواجه بودید که مصرف در آن مدیریت شده بود و شهروندان هر بار به مغازه، سوپرمارکت یا فروشگاه‌های بزرگ نزدیک منزل خود مراجعه می‌کردند به اندازه نیاز خود کالا می‌خریدند و همیشه همه چیز به میزان لازم وجود داشت. از این رو شما هیچ‌وقت با این تصور که ممکن است کمبود وجود داشته باشد تشویق به این نمی‌شدید که بیشتر از نیاز خرید کنید. درحقیقت زندگی یک روال منظم داشت.

یک‌باره شما شرایطی قرار می‌گیرید که دولت توانایی حمایت از شما را ندارد و زندگی اجتماعی روی دیگر خود را نشان می‌دهد. یعنی در فروشگاه‌های بزرگ و متوسط‌تر سرچیزهایی که تا قبل از این ارزش نداشت، دعوا می‌شود و اختلافات اجتماعی به وجود می‌آید. این احساس ناامنی احساسی است که با خود تغییر اجتماعی به همراه دارد. چون مساله مهمی است. می‌توان گفت کرونا روال و تصویری را که از زندگی وجود دارد و به واسطه رسانه‌ها تقویت و بازتولید می‌شود تا حد زیادی از بین برد. به‌خصوص که اگر این بحران طول بکشد معلوم نیست بازگشت به شرایط عادی چه زمانی باشد. آن تصویری که تا پیش از این وجود داشت این بود که اگر بحرانی وجود داشته باشد دولت از شما حمایت می‌کند. اما حالا به واسطه بزرگی بحران دولت نمی‌تواند حمایت کند و این تصویر از بین رفت. شما به‌عنوان یک شهروند اروپایی احساس می‌کنید کاملاً بی‌دفاع و ناتوان در مقابل این مسائل هستید و هیچ‌کسی از شما حمایت نمی‌کند. حمایت نهاد خانواده و حمایت نهاد‌های اجتماعی نیز به آن شکل وجود ندارد. این مساله اثرات خود را در زندگی اجتماعی نشان خواهد داد، به‌خصوص اگر بحران طولانی شود.

دهند و به‌عنوان کشوری که در بحران‌ها می‌تواند از بحران عبور کرده و حتی به‌بقیه کمک کند و چیزهایی مثل این را نشان دهند. ایسن می‌تواند آینده روابط بین‌الملل را خیلی سریع‌تر از آنچه به‌خاطر تغییر اقتصادی تغییر می‌کند، تغییر دهد. همه اینها بستگی به این دارد که بحران چه زمانی تمام شود.

اشاره کردید یکی از عمیق‌ترین تأثیرات کرونا در پیوندهای جهانی، اتفاقی بود که برای اتحادیه اروپا افتاد. اعتراضات مردم ایتالیا علیه این اتحادیه شاید مهم‌ترین جلوه این تحول باشد. از نگاه مردم این کشورها، آنها مالیات می‌دهند تا اتحادیه با بهره‌گیری از آن در بحران‌ها به دولت‌های اروپایی یاری دهد. ولی این اتفاق در بحران کرونا نیفتاد و اعتراض‌های گسترده‌ای را پدید آورد. تبعات این موضوع را در اروپا چطور می‌بینید؟

در مسائل اقتصاد بین‌المللی و اقتصاد سیاسی

یکی از جاهایی که به‌خاطر کرونا ضربه قابل توجهی به اعتماد عمومی نسبت به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای وارد شد، اتحادیه اروپا بود. قبل از این بحران برگزیت را داشتیم. برگزیت نمادی از این بود که می‌شود که اتحادیه بیرون رفت و نشان داد این موضوع اتفاق مهمی نیست. اتفاقی که در این بحران افتاد این بود که قدرت‌های اصلی اتحادیه از کمک‌های اتحادیه اروپا بازماندند. این موضوع قبلاً در مورد یونان مسبوق به‌سابقه بود. در بحران اقتصادی یونان، این کشور ابتدا به اتحادیه اروپا مراجعه کرده‌بود و درخواست کمک کرد اما پاسخ اروپایی‌ها این بود که باید مشکل‌تان را خودتان حل کنید. البته در ادامه به دلیل نگرانی از تبعات این موضوع برای اقتصاد کل اروپا، کمک‌هایی به یونان شد اما در ابتدا کمکی وجود نداشت. یونان اقتصاد کوچکی دارد و قدرت مهمی در اروپا محسوب نمی‌شود اما این بار بحران برای کشورهای بود که جزء قدرت‌های اروپایی محسوب می‌شوند.

اولین ضربه بزرگ به اتحادیه اروپا این بود که آلمانی‌ها که موتور محرک اتحادیه هستند و در واقع حاکم پشت‌پرده اتحادیه به‌حساب می‌آیند، تصمیم گرفتند ارتباطات خود را با دیگر کشورها قطع کنند. آلمان با این توجیه صادرات محصولات بهداشتی و پزشکی را به بقیه کشورهای اتحادیه قطع کرد که خود مردم این کشور قبلاً به این کالاها نیاز دارند. بعد مشکلاتی برای ایتالیا به وجود آمد و کمکی به آن نشد و سپس برای اسپانیا و خود آلمان و فرانسه نیز در ادامه مشکلاتی داشتند. این تحولات با اتفاقاتی که به‌خاطر بستن مرزها افتاد و مرزهای ملی موضوعیت پیدا کرد، ادامه یافت. برخی کشورها به اسم قرنطینه رفت‌وآمدها و حمل‌ونقل عمومی با قطار و هواپیما را قطع کردند. حتی امور ساده‌تری همچون نیازهای پزشکی و بهداشتی تهیه شده همانند ماسک و دستگاه تنفس مصنوعی با اختلال مواجه شد و دولت‌ها محموله‌های بهداشتی و پزشکی را مصادره می‌کردند و اجازه عبور نمی‌دادند.

خود گرفته است. به این دلیل که اگر تصمیم موقتی باشد احتمالاً پیروزی او در انتخابات اترضمین می‌کند و اگر مشکلی داشته باشد برای همیشه او را از تاریخ سیاسی آمریکا حذف خواهد کرد.

تبعات بحران کرونا در آمریکا را چطور ارزیابی می‌کنید؟ مسیر تحولات در این خصوص از انکار ترامپ در روزهای ابتدایی گرفته تا افشای دروغ تحت کنترل بودن همه چیز و در نهایت اعلام آمار واقعی تلفات تحت فشار افکار عمومی و افت محبوبیت ترامپ مجموعه چه تأثیری در ساختار سیاسی ایالات متحده خواهد گذاشت؟ آیا این موضوع می‌تواند سرنوشت انتخابات را نیز تحت تأثیر قرار دهد؟

اینکه این مساله در انتخابات و در نظم سیاسی در ایالات متحده چه تأثیری گذاشته را در دو بعد می‌توان به‌طور کلی ارزیابی کرد. یک بعد کلان یعنی سیستم سیاسی آمریکا است که به نظر می‌رسد این استقبال اعتماد و امیدواری به نظام سیاسی را در ایالات متحده به صورت کلی کاهش داد و به همین دلیل در برخی ایالت‌هایی که بیشتر درگیر بودند همانند نیویورک، کالیفرنسیا و... در ایالت‌های ثروتمند محسوب می‌شوند- این بحث خیلی رایج است که اگر مدیریت دست‌خودمان بود و لازم نبود منابع را به دولت فدرال بدهیم، وضع‌مان در بحران بهتر می‌شد.

این حالت کلی است ولی برای پاسخ به این سوال که بحران کرونا در تقسیم‌بندی‌های سیاسی آمریکا و نتایج انتخابات آن چه تأثیری دارد، هنوز زود است. ما در میانه بحران هستیم و باید ببینیم دولت آمریکا چطور از این بحران خارج می‌شود. در هفته‌قبل میزان ریزش سهام و کاهش ارزش سهام آمریکا به‌صورتی بود که تقریباً می‌توان گفت به نزدیکی زمانی که ترامپ اقتصاد را تحویل گرفته بود، رسید و هرچه در این مدت انجام داده بود به‌حالت صفر برگشت. این شرایط البته با توجه به تورم در این چهار سال، عقب‌گرد است ولی به‌خاطر بسته‌های اقتصادی که تزریق می‌شود و همین‌طور اخباری که دولت فدرال اعلام می‌کند و همین صحبت ترامپ که در درمان درحال پیشرفت هستیم و افرادی که واکنش را دریافت می‌کنند بیشتر شدند و احتمال بازگشایی اقتصاد و... شرایط چیرگی به‌لحاظ روانی متفاوت شده است.

شاید یکی از مسائلی که اینجا خیلی اثرگذار است، بحث بیکاری است. ما با بزرگ‌ترین بیکاری تاریخ آمریکا مواجه شدیم. اینکه چه زمانی این چالش رفع می‌شود و شرایط به‌حالت عادی برمی‌گردد احتمالاً کم‌تقریبی می‌توان گفت به نزدیکی زمانی که ترامپ اقتصاد را تحویل گرفته بود، رسید و هرچه در این مدت انجام داده بود به‌حالت صفر برگشت. این شرایط البته با توجه به تورم در این چهار سال، عقب‌گرد است ولی به‌خاطر بسته‌های اقتصادی که تزریق می‌شود و همین‌طور اخباری که دولت فدرال اعلام می‌کند و همین صحبت ترامپ که در درمان درحال پیشرفت هستیم و افرادی که واکنش را دریافت می‌کنند بیشتر شدند و احتمال بازگشایی اقتصاد و... شرایط چیرگی به‌لحاظ روانی متفاوت شده است.

دنیای پساکرونا دنیایی دیگر است. این عبارتی است که این روزها در محافل رسانه‌ای و کارشناسی حسابی بر سر زبان‌ها افتاده. موضوعی که بیش از هر چیز ریشه در تحولاتی دارد که در دو ماه اخیر رخ داده است. تحولاتی اساسی که برخی از آنها شاید همین چند ماه قبل هم قابل پیش‌بینی به‌نظر



محمد جعفری روزنامه‌نگار

این روزها این گزاره به کرات مطرح می‌شود که دنیای پساکرونا دنیای دیگری است و تغییرات فراوانی نسبت به گذشته خواهد داشت. از نگاه شما مختصات و مشخصات این تغییرات چگونه خواهد بود؟

اتفاقی که توسط شیوع ویروس کرونا در دنیا رخ داد، اتفاق غیرمنتظره‌ای بود. یعنی اگر چند ماه قبل کسی درباره این رویدادها صحبت می‌کرد بدون تردید کسی باور نمی‌کرد. این موضوع اثرات متفاوتی در حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی خواهد داشت. دنیای بعد از کرونا با توجه به اینکه چطور این اثرات مدیریت می‌شود، تصویر خواهد شد. یکی از مهم‌ترین سوالاتی که مطرح می‌شود این است که چه زمانی این ویروس تمام خواهد شد؟ این بحران کوتاه‌مدت است یا بلندمدت؟ این بحران اثرات خود را ابتدا در مسائل اقتصادی و بعد در حوزه مسائل اجتماعی و بعد در حوزه مسائل سیاسی گذاشته است. فعلاً اولین پیامدها در حوزه اقتصادی در حال روشن شدن است. به‌عنوان مثال اولین مورد، گزارش اقتصادی سه‌ماهه چین بود که کاهش بیش از منفی ۶ درصد رانشان می‌داد و از سال ۱۹۹۲ تاکنون بی‌سابقه بود. برای بقیه کشورهای دنیا هم پیش‌بینی می‌شود با این وضعیت رویه‌رو شوند. آیا این شرایط عادی خواهد شد و بهبود خواهد یافت؟ فعلاً کسی اطلاع ندارد.

در حوزه روابط بین‌الملل، شاید بتوان گفت ضربه‌ای که شیوع بیماری به این حوزه وارد کرد در دو مساله اعتماد در روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل بود. یعنی هم در حوزه روابط خارجی میان دولت‌ها و سیاست خارجی رسمی اثراتی داشت که بیشتر اتحادیه‌های جهانی و منطقه‌ای را زیرسوال برده و برخی همانند اتحادیه اروپا را سست کرده و هم در جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل که نوع نگاه انسان‌ها به مسائل بین‌المللی است، به‌نظر می‌رسد اثر پررنگی داشت. سوال قبل اگر از مردم کره‌زمن به‌طور کلی پرسش می‌شد، اکثریت مطلق از این صحبت می‌کردند که به‌سخت یک به هم پیوستگی کامل جهانی حرکت می‌کنیم ولی الان چنین نیست. الان خیلی‌ها این آماجگی را دارند که مرزهای سرزمینی حالت پررنگ پیدا کند و بحث‌هایی همانند قرنطینه، خانه‌ماندن، ماندن در شهر یا کشور امر چندان عجیبی محسوب نمی‌شود. این تغییرات اثرات شگرفی در مسائل سیاسی به همراه خواهد داشت. همین‌طور که اعتماد به نظام‌های سیاسی و کارآمدی آنها را دچار تغییراتی کرد، میزان امیدواری به کمک‌های دولتی را دست‌خوش تغییر کرد و اعتماد به نظام درمانی دولت‌ها نیز دست‌خوش تغییر شد. اینها مسائل مهمی است که به‌راحتی دچار تغییر نخواهند شد.

تضعیف و کم‌رنگ شدن به‌هم پیوستگی‌های جهانی از نظر شما به تقویت دولت‌های ملی منتهی خواهد شد؟

یکی از اتفاقاتی که به‌خاطر این بحران از حوزه اقتصاد شروع شد و به تدریج در حوزه اجتماعی ادامه یافت و احتمالاً نتایج آن را در حوزه سیاسی هم خواهیم دید، این است که در حوزه اقتصاد، دولت‌های رفاه تقویت شدند و خواهند شد. یعنی به‌سبب تعطیل شدن اقتصاد و نیاز پررنگی که به‌کمک‌های اجتماعی احساس می‌شود، این دولت‌ها تقویت می‌شوند. همچنین به‌خاطر این بحران، دولت‌ها در حوزه اجتماعی تقویت خواهند شد. به‌هرحال اعمال محدودیت‌های شدید از سوی دولت - که برخی از این محدودیت‌ها در تاریخ برخی کشورها سابقه نداشته- میزان دخالت دولت در زندگی اجتماعی را تقویت می‌کند. برخی کشورها به‌واسطه دسترسی به تکنولوژی، ابزارهای جدیدی را استفاده می‌کنند که در ظاهر در جهت مدیریت کروناست اما احتمالاً بعد از کرونا هم استفاده خواهد شد. چیزهایی که رفت‌وآمد شهروندان را کنترل می‌کند، ارتباط با آدم‌های مختلف را کنترل می‌کند، یکجاذبمی‌کنند و چه چیزی خرید می‌کنند را کنترل می‌کند که قبلاً هم مسائلی از این دست وجود داشت و صاحبان شبکه‌های اجتماعی قابلیت مدیریت آن را داشتند، الان برخی دولت‌های ملی این کار را می‌کنند. این دو مساله یعنی بحث اجتماعی و اقتصادی به‌تبع خود چون کارکرد دولت را گسترش می‌دهند، دولت ملی را تقویت می‌کنند و امیدواری نسبت به اینکه نهاد‌های بین‌المللی و دولت‌های دوست خارجی کمک‌کنند را کاهش می‌دهند. چالش کرونا این تصور که ایالات متحده به‌عنوان قدرتمندترین کشور دنیا توانایی مدیریت بحران‌های بین‌المللی دارد را نیز تا حد زیادی تضعیف کرد و نتیجه مجموعه